

دیدگاه‌های اجتماعی

ساموئل اسمیت

و

دیگران

گردآوری و ترجمه

دکتر عباس محمدی اصل



انتشارات حق شناس
HAGHSHE NASS
PUBLICATION

۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور : دیدگاه‌های اجتماعی / ساموئل اسمیت و دیگران: گردآوری
 و ترجمه عباس محمدی اصل.
 مشخصات نشر : رشت: حق شناس، ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهری : ۲۸۸ ص.
 شابک : ۷۰۰۰۰ ریال ۹۶۰۴-۵۷۸۴-۹۷۸-۹۷۸-۹۶۴-۵۷۸۴-۹۶-۴
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : جامعه‌شناسی.
 شناسه افزوده : اسمیت، ساموئل.
 شناسه افزوده : محمدی اصل، عباس. ۱۳۴۶ -
 رده‌بندی کنگره : HMF۶۰۶:۲۰۹:۱۳۸۷
 رده‌بندی دیویی : ۳۰۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۰۸۱۲۹

نام کتاب : دیدگاه‌های اجتماعی
 تألیف : ساموئل اسمیت و دیگران
 گردآوری و ترجمه : دکتر عباس محمدی اصل
 ناشر : نشر حق شناس
 طرح روی جلد : سحر خیرخواه
 چاپ اول : ۱۳۹۰
 چاپخانه و صحافی : طرفه
 لیتوگرافی : همراهان
 قیمت : ۷۰۰۰۰ ریال
 شمارگان : ۱۰۰۰
 شابک : ISBN 978- 964-5784-96-4 ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۸۴-۹۶-۴

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز نشر و پخش: رشت - سبزه میدان - نیش بیستون - مرکز تجاری سبز

صندوق پستی ۱۲۸۵-۲۱۶۳۵ تلفن: ۲۲۴۴۲۱۲ نمایر: ۲۲۴۶۷۶۹ همراه: ۰۹۱۱۶۳۴۷۸۲۰

E-mail: Haghshe Nass_publication@yahoo.com

www.Haghshe Nass.com

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۷	مقدمه مترجم
	۱. تمهیدات
۲۰	- جامعه‌شناسی: محتوا، تقسیمات و کاربرد
	ساموئل استی
۲۴	- انسان، جامعه و جامعه‌شناسی
	پیتر ورسلی
	۲. بینش
۳۰	- خاستگاه معرفتی جامعه‌شناسی
	هورتون و هانت
۳۹	- چشم‌اندازهای نظری جامعه‌شناسی
	هورتون و هانت
	۳. روش
۵۰	- نسبت فرهنگی و قوانین اجتماعی
	ارنست نایگل
۵۷	- راهبردها و تصمیم‌گیری‌های پژوهشی در علوم اجتماعی
	جون کلارک و گوردون کاسر
	۴. آراء
۷۲	- مبدا جامعه
	افلاطون
۷۹	- ترکیب جامعه
	ارسطو
۸۴	- تمایزات گروهی
	ابن خلدون
۸۸	- فلسفه اثباتی و شناخت اجتماعی
	اگوست کنت
۹۲	- ابعاد اجتماعی مذهب
	برانیسلاو مالینوسکی

- ۹۸..... - تعاریف جامعه‌شناسی و کنش اجتماعی
ماکس وبر
- ۱۰۵..... - نقش و پایگاه اجتماعی
والف لیبتون
- ۱۰۹..... - ماهیت تعامل‌گرایی نمادین
مربرت بلومر
۵. ابعاد نظام اجتماعی
- ۱۱۴..... - زیست‌شناسی و فرهنگ
پیتر ورسلی
- ۱۲۰..... - ریشه‌های کنش اجتماعی در ساخت اجتماعی
مارک گرانووتر
- ۱۲۹..... - زبان
ادوارد سابیر
- ۱۵۶..... - ابعاد ارزشی نظریه نوآوری
جان موننگمری
- ۱۶۵..... - ماهیت فرهنگ
آدامسون هوپیل
- ۱۸۰..... - رشد فرهنگ
راث بندیکت
- ۱۹۲..... - تکنولوژی و فرهنگ مادی
رابرت اسپیر
۶. امتداد نظام اجتماعی
- ۲۱۸..... - فرضیه پس‌افتادگی فرهنگی
ویلیام اگبرن
- ۲۲۱..... - کیفیت تحولات فرهنگی
جی. پی. مرداک
- ۲۳۵..... - مفاهیم و نظریات اجتماعی تغییر
ریچارد لاپیر
- ۲۸۰..... - پسانوین چیست؟
پائولو پرتنگی

گر ابرهای تیره سفر کردند
و نور روشن فردا را دیدید
از ما به مهربانی یاد آرید
از ما که در تمام شب عمر
در جستجوی نور سحر پرسی می‌زدیم
در خاطر آرزوی ما را
بسپارید
از ما به مهربانی
یاد آرید!

حمید مصدق

هدف این کتاب ارائه چشم‌اندازی محدود از مباحث عمده جامعه‌شناسی معاصر است. این مباحث غالباً از ابعاد نظری و در جوانب ایستاده‌ی بویا مطرح می‌شوند. دیدگاه‌های جامعه‌شناسی معاصر خواهان دستیابی به تصویر جامعی از پدیده‌های اجتماعی هستند. از این رو اساس مطالعات جامعه‌شناسی معاصر بر سازمان زندگی اجتماعی استوار است. عناصر چنین مطالعه‌ای شامل فرهنگ اجتماعی، اجتماعی شدن، ساخت اجتماعی، گروه، سازمان، انحرافات و کنترل اجتماعی می‌باشد. تبلور ایستای کارکردهای این عناصر در غرض نهادهای اجتماعی قابل مشاهده است. خانواده، مذهب، سیاست، اقتصاد و آموزش و پرورش از جمله این نهادها هستند. اگر این کارکردها از منظر انگارش تضاد نگریسته شوند، رفاق و تعادل اجتماعی در زمینه نابرابری‌های اجتماعی رنگ می‌بازد. قشربندی اجتماعی، طبقات اجتماعی و گروه‌های نژادی همگی از نتایج چنین تحلیل‌هایی به شمار می‌روند. حلقه اتصال دیدگاه‌های کارکردگرا با دیدگاه‌های تضادگرای جامعه‌شناسی در ادراک تغییرات اجتماعی نهفته است. هرچند تغییرات اجتماعی کارکردها متضمن حرکت و دگرگونی (انگارش بنیادین بینش تضادگرا) می‌باشد؛ اما بایستی توجه داشت که تصور تغییرات در دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی از تفاوت‌های اساسی برخوردار است.

به هر تقدیر این مختصر داعیه تعمق وافیه در حوزه‌های جامعه‌شناختی را در سر نمی‌پروراند. منظور اصلی، ارائه تشریحی موجز از مباحث کلی جامعه‌شناسی است. باشد که در

این پرتو، بارقانی از علاقه و جرقه‌انی از کنجکاوی در ذهن خواننده‌انی؛ او را به وادی تاملات جامعه‌شناختی رهنمون گردد.

دیدگاه‌های جامعه‌شناسی

پیش. دیدگاه‌های جامعه‌شناسی مبتنی بر درک ارتباط پدیده‌های اجتماعی هستند. از این نگره دیدگاه‌های جامعه‌شناسی «دربیر گیرنده چشم‌انداز کنش‌های انسانی و پویای سازمان‌های اجتماعی می‌باشند» (Berger, 1963:31) بنابراین پیش جامعه‌شناختی محصول درک روابط کنش با پویا است. به عبارت دیگر این پیش از درک ارتباط تجربیات جزئی با ساخت‌های اجتماعی مشتعب می‌شود. جامعه‌شناسی به مطالعه تأثیرات گروه‌ها بر گرایش‌ها و کنش‌های انسانی علاقه‌مند بوده و ماهیتاً به «مطالعه منظم کنش‌های اجتماعی گروه‌های انسانی هست می‌گمارد» (Schaefer, 1984:5).

وظیفه این شناسایی را نظریه بر عهده دارد. نظریه متضمن ارتباط منطقی مشاهده با اطلاعات شناختی است. مع هذا از آنجا که شناخت اجتماعی انسان آغشته به ارزش‌ها است؛ دیدگاه‌های جامعه‌شناسی دچار تعدد می‌شوند. مثلاً نظریات کارکردگرا بر تعادل و وفاق و نظریات تضادگرا بر تعارضات و ستیزه‌های اجتماعی تأکید دارند. همچنین جامعه‌شناسی کلان در مقیاسی وسیع عوارض تمدن را بررسی می‌کند؛ در حالی که جامعه‌شناسی خرد به مطالعه گروه‌های کوچک بسنده می‌نماید. از سوی دیگر جامعه‌شناسی تفهمی نیز خواهان شناخت احساسات و اندیشه‌های کنشگران از طریق همدلی با آنها می‌باشد. از طرفی مفاهیم جامعه‌شناسی بنیادین و کاربردی نیز از تفاوت‌های فاحشی برخوردارند.

در هر صورت دیدگاه‌های جامعه‌شناختی با ارانه تصاویر متنوعی از اجتماع، ما را جهت حضور فعالانه در حیطه جامعه یاری می‌دهند.

روش. اگر جامعه‌شناسی را عبارت از مطالعه علمی تعاملات و سازمان‌های اجتماعی بدانیم؛ بنابراین روش تحقیق این علم نیز شامل مراحل خاصی خواهد بود. اجرای صحیح این مراحل، جامعه‌شناسی را وارد حوزه علم می‌کند. مهمترین مراحل روش تحقیق جامعه‌شناسی عبارتند از: «گزینش مسئله تحقیق (تشخیص مسئله ائی قابل مطالعه از طریق روش‌های علمی)؛ نقد منابع (بررسی نظریه‌ها و تحقیقات موجود در باب موضوع)؛ طرح فرضیه (عرضه پاسخ‌های حدسی در باب روابط متغیرها و ارانه تعاریف عملی از آنها جهت اندازه‌گیری تغییرات شان)؛ انتخاب

طرح تحقیق (استفاده از روش‌های آزمون فرضیات مانند تجربه، مشاهده، مصاحبه، بررسی منابع موجود، مطالعه شواهد تاریخی و ...)، جمع‌آوری داده‌ها (طبقه‌بندی اطلاعات)، تحلیل نتایج (جستجو برای دریافت همبستگی‌های عینی میان واقعیت‌های مورد مطالعه)، تعمیم نتایج (اخذ معانی کلی از تحقیق و تعمیم آن به وضعیت‌های دیگر و ایجاد زمینه آغاز سایر تحقیقات)» (Czanden, 1990: 18) به این ترتیب «محققان از طریق کاربرد منظم و سازمان یافته شیوه علمی

تحقیق، به مطالعه تطبیقی پدیده‌های اجتماعی دست می‌زنند» (Anderson, 1979: 67)

به منظور استخراج نتایج پایا و روا از تحقیقات جامعه‌شناختی؛ اصل رهایی از ارزش‌های نام‌مندی است. «رهایی از ارزش به معنای درک واقعیت پدیده‌های اجتماعی است» (Coser, 1977: 219). به همین جهت بود که مدعی شدیم محصول روش تحقیق جامعه‌شناسی، دستیابی به نظریه است. نظریه مجموعه مفاهیم جامعی است که از تعمیم مشترکات قوانین تجربی به دست آمده و محرک آغاز تحقیقات آتی به شمار می‌رود. نظریه، وسیله شناخت واقعیت اجتماعی است و درک محقق را از پدیده‌های اجتماعی افزایش می‌دهد.

اندیشه‌ورزان. کنت، مؤسس جامعه‌شناسی علمی تأکید می‌کند مطالعه جامعه در ابعاد ایستا-پویا بایستی بر مبنای کاربرد مشاهده منظم، تجربه و تحلیل مقایسه‌ای-تاریخی استوار باشد. (Turner, 1982) از سوی دیگر اسپنسر جامعه را به عنوان نظامی با کلیت همبسته و مبتنی بر قیاسی ارگانیکی می‌نگرد و لذا نظریه تطور توسعه تاریخی ترقی اجتماعی را ارائه نموده است. (Richards, 1988) به علاوه مارکس جامعه‌شناسی را بوسیله تمرکز بر اصول تاریخی تطور محیط اقتصادی گسترش داد. به عقیده او در هر مرحله تاریخی، تکنولوژی اجتماعی و نوع روابط تولیدی، موجد گروه‌های متعارض صاحب ثروت و فاقد قدرت می‌گردد. (Ritzer, 1983) دورکیم نیز به تشخیص انسجام مکانیکی و ارگانیکی در سطح جامعه نائل آمد و ابعاد پدیده‌های زندگی اجتماعی را از حیث زیستی و ذهنی و عینی متمایز نمود. (Kornhauser, 1959) همچنین ماکس وبر به مطالعاتی در زمینه جامعه‌شناسی ارزش‌ها، عقاید و گرایش‌ها پرداخت و به بنای نمونه‌های نظری کنش‌ها جهت تحلیل مقایسه‌ای ایده‌های مقوم جامعه روی آورد. (Weber, 1947)

عناصر سازمان زندگی اجتماعی

فرهنگ. فرهنگ عبارت از مجموعه مکسبات رفتاری در حوزه جامعه است. از آنجا که فرهنگ شامل ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است؛ لذا وسیله اتصال نسل‌ها نیز به شمار می‌رود. هنجارهای اجتماعی رسمی یا غیر رسمی موجد ارزش‌های فرهنگی هستند. پس به لحاظ اینکه عناصر فرهنگ یکدیگر را حمایت می‌کنند؛ «فرهنگ بایستی به عنوان یک کلیت مطرح نظر قرار گیرد» (Arensberg and Neihoff, 1964:51) از سوی دیگر ارزش‌های فرهنگی، بخش‌های فرهنگی را می‌آفرینند. بنابراین «فرهنگ مرکزی، خرده فرهنگی است که به انعکاس هنجارها و ارزش‌های اجتماعی پرداخته و در جستجوی سبک‌های جایگزینی برای زندگی می‌باشد» (Yinger, 1960:84) بدیهی است اعضای خرده فرهنگ‌ها، بقیه گروه‌ها را بیگانه تصور کرده و همین انکارش موجد رشد دیدگاه‌های قوم‌مدارانه می‌شود که در آن برتری درون گروه نسبت به بیرون گروه ملحوظ است. به این ترتیب فرهنگ حاوی تجارب عملی سازگاری فرد با جامعه است.

اجتماعی شدن. اجتماعی شدن فرایندی است که فرد به وسیله آن گرایش‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های معتبر کنش را به عنوان عضوی از مجموعه انی فرهنگی می‌آموزد. از آنجا که «اگر انسان‌ها وضعیتی را واقعی بدانند، واقعاً تحت تأثیرش قرار می‌گیرند» (Thomas and Thomas, 1928:572)؛ لذا فرایند اجتماعی شدن زمینه تحقق معیارهای وضعیتی جهت بروز کنش را آماده می‌نماید. بدیهی است که اجتماعی شدن از یک طرف متأثر از فرهنگ بوده و از سوی دیگر بر ابعاد جسمانی-فکری انسان تأثیر می‌گذارد.

مهمترین عوامل فرهنگی اجتماعی شدن عبارتند از: زبان، خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و نوع اشتغال. از این منظر اجتماعی شدن در وحله اول بستنی بر زبان است. به عبارت دیگر «زبان اولین توانایی اجتماعی شدن محسوب می‌شود» (Curtiss, 1977:274) خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی نیز نقش مهمی در انتقال ارزش‌های هنجاری به شخصیت فرد ایفا می‌نمایند. حضور در بازار کار نیز عناصر دیگری از اجتماعی شدن را به شخصیت فرد تزریق می‌کند. در واقع «اجتماعی شدن حرفه‌ای فرد پس از سال‌ها حضور وی در بازار کار ایجاد می‌شود» (Mortimer and Simmons, 1978:442) تأثیر اجتماعی شدن بر ابعاد جسمانی-فکری انسان نیز واضح است. به عنوان مثال «ما در نتیجه اجتماعی شدن برخی احساسات را درباره خودمان گسترش می‌دهیم» (Cooley, 1902:152)

بدین سان ما بوسیله فرایند اجتماعی شدن، هدایت خود را باز یافته و با گسترش آن به ایفای نقش‌های اجتماعی می‌پردازیم.

ساخت اجتماعی. ساخت اجتماعی یک جامعه توسط عناصر فرهنگی سازمان یافته تعیین می‌شود. ساخت به معنای نوع ارتباط عناصر یک مجموعه بوده و کارکردهای متفاوتی از آن حاصل می‌گردد. ساخت اجتماعی مرکب از پایگاه‌ها (اهمیت اجتماعی نقش) و نقش‌ها (وظیفه محول به فرد) است. تفاوت بین پایگاه و نقش در آن است که ما پایگاه را اشغال می‌کنیم؛ در حالی که نقش را ایفا می‌نماییم. (Linton, 1936: 16) بدین روی گروه محصول نهادی ساخت اجتماعی محسوب می‌شود.

گروه و سازمان. تعامل میان انسان‌ها ضرورتاً به سازمان فرهنگی خاصی به نام جامعه ختم می‌شود که خرد مرکب از گروه‌ها و سازمان‌های گوناگونی است. (Mayer, 1970: 123) گروه پدیده محسوسی نیست که جسم بالفعلی در جهان عینی داشته باشد. این مفهوم ذهنی منبعث از تقسیم کار اجتماعی بوده و بر حسب نوع ارتباطات هویت بخش خود به گروه اولیه، ثانویه یا مرجع (الگوهای ارزیابی اهداف و انتظارات اجتماعی برای تطابق کنش با آنها) تفکیک می‌گردد.

به منظور تطابق بیشتر گروه‌ها با نیازهای اجتماعی، سازمان زاده می‌شود و به یاری بوروکراسی قوام می‌یابد. خصلت بوروکراتیزه شدن تقسیم کار، اقتدار، نقش‌های مدون و مسئولیت تأمین اجتماعی به سازمان یافتگی هر چه بیشتر سازمان اجتماعی می‌انجامد.

انحرافات و کنترل اجتماعی. سازگاری و انحراف، دو پاسخ متفاوت انسانی به محرک‌ها و فشارهای زندگی اجتماعی هستند. اگر قبول کنیم «کنترل اجتماعی یعنی فنون و استراتژی‌های تنظیم رفتار انسانی در سطح جامعه» (Roberts, 1981: 159)؛ بنابراین خواهیم پذیرفت که جامعه به کنترل اجتماعی جهت سازگاری افراد با هنجارهایش می‌پردازد. بر این اساس «قوانین، نشانه‌های هنجارهای رسمی جامعه قلمداد می‌گردند» (Chambliss and Seidman, 1971: 8)

از آنجا که اجتماعی شدن، منبع اولیه سازگاری است؛ بنابراین نوع، میزان و شدت انحراف در جوامع مختلف فرق می‌کند. به منظور تبیین پدیده انحراف، دو دسته از نظریات رسمی جامعه‌شناختی رشد کرده‌اند. یک دسته از این نظریات معتقدند «انحراف نتیجه آموختن رفتار منحرفانه است». (Sutherland and Cressey, 1978: 82) از این نگره نوع ارتباط افراد و گروه‌های اجتماعی با منابع انحراف در بروز رفتار منحرف تأثیر اساسی دارند. دسته دوم از

نظریات مربوط به انحراف بر شیوه‌های سازگاری اجتماعی با اهداف فرهنگی و وسایل نهادی دستیابی به آنها تأکید می‌ورزند. از این نقطه نظر افراد در پایگاه‌های منطبق، نوآور، مناسک‌گرا، نامنطبق و وضعیت‌گرا طبقه‌بندی می‌شوند. افراد منطبق، اهداف فرهنگی و وسایل نهادی تحقق آنها را درونی کرده؛ در حالی که افراد نوآور در عین تطابق با اهداف، از درونی کردن وسایل نهادی تحقق آنها رهیده و با شیوه‌های ابداعی به اهداف مزبور نائل می‌شوند. مناسک‌گرایان نیز اهداف را جذب نکرده؛ اما راه‌های دستیابی اجتماعی را به خوبی فرا گرفته‌اند. نامنطبق‌ها هم اهداف و وسایل را درونی نکرده و وضعیت‌گرایان نیز به صورت مقتضی از آنها سر می‌خورند. (Merton, 1957)

نابرابری‌های اجتماعی

قشربندی و تحرک اجتماعی، نابرابری اجتماعی به شرایط تخصیص سطوح مختلفی از ثروت، قدرت یا اعتبار به اعضای اجتماع اطلاق می‌شود. (Elmer, 1981: 192) پس چون قشربندی به رتبه‌بندی گروه‌های انسانی بر مبنای نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی و جسمانی (جنس، سن و ...) ارجاع دارد؛ لذا قشربندی مبعث از نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد. بی تردید تمام فرهنگ‌ها دارای نابرابری اجتماعی بوده و ملامت‌مقولاتی از برده‌داری گرفته تا کار زنان در مشاغل خاصی نظیر منشی‌گری، مهمانداری، سرکداری و ... (Quick, 1972: 17) مشمول حال آن می‌گردد. مع هذا تحرک اجتماعی به مثابه آزادی افراد جهت دستیابی به پایگاه‌های اجتماعی، این نابرابری‌ها را تعدیل می‌کند.

نژاد، نژاد بعدی از زندگی اجتماعی گروه‌های اقلیت بوده و از حیث تمایزات جسمانی، اقتصادی و سیاسی قابل تشخیص است. به عبارت دیگر این خصائص عبارتند از: «خصائص کالبدی یا فرهنگی، شرایط نابرابر، پایگاه‌های متفاوت، میزان همبستگی و ازدواج‌های درون گروهی». (Harris, 1958: 10) در هر حال باید توجه داشت که امروزه دیگر نژاد خالص وجود نداشته و اختلاط نژادی وجه غالب زیستی زندگی معاصر است.

نهادهای اجتماعی

خانواده، عام‌ترین و متنوع‌ترین پدیده اجتماعی، نهاد خانواده است که به کارکردهایی نظیر «حمایت اعضا، اجتماعی کردن کودکان، تولید مثل، تنظیم رفتار جنسی، همیاری و ایجاد

پایگاه اجتماعی» (Lesch, 1977:328) اشتغال دارد. امروزه به مقتضای انفکاک کارکردهای خانواده و اعطای آن به سایر نهادها؛ اموری چون تعلیم و تربیت از آن انتزاع و به مدارس تفویض گردیده است. این تغییر مقتضیات به تنوع ماهوی خانواده نیز سرایت می‌کند. مثلاً در حوزه‌های اقتصاد فلاحی، خانواده گسترده از کارکرد متناسبی برخوردار است؛ در حالی که با تبدیل این حوزه به عرصه اقتصاد صنعتی و افزایش نیاز به تحرک جغرافیایی - اجتماعی، خانواده هسته‌ای رشد می‌کند.

مذهب. مذهب مرجع جهانی پاسخ به سوالات غائی نوع بشر و تعیین کمال مطلوب‌های او است. از نگره نظم نهادین اجتماعی، «مذهب نوعی نظام کنترل اجتماعی محسوب می‌شود» (Keith, 1984:25) که امروزه نظام‌های سازمانی و طبقات متوسط اجتماعی در ارائه این کارکرد با وی شریک شده‌اند. در چند وجود یا فقدان مذهب در جامعه، حساسیت‌های نظری موافق و مخالفی را برانگیخته؛ اما در هر حال بایستی توجه داشت این نهاد نقشی اساسی در تشکل کنش‌ها و پویای اجتماعی ایفا می‌کند.

سیاست. تمام جوامع به منظور انتظام اجتماعی از نظام سیاسی سود می‌جویند. نظام سیاسی با استفاده از اعمال قدرت، زور، تنفیذ و اقتدار به تنظیم روابط سازمانی، گروهی و انسانی می‌پردازد.

اقتصاد. نظام اقتصادی جامعه تأثیرات مهمی بر رفتار اجتماعی (نوع کار، اوقات فراغت و ...) باقی می‌گذارد و خود نیز از الگوهای رفتاری جامعه متأثر می‌گردد. این نظام وسیله غلبه بر طبیعت قلمداد می‌شود.

آموزش و پرورش. نهاد آموزش و پرورش با «وظیفه انتقال دانش» (Boyer, 1984:119) فرایند اجتماعی شدن و توارث اکسپاتی ماترک اجتماعی را شکل می‌دهد.

جامعه متغیر

اجتماع. اجتماع واحد عام بوم‌شناختی جهان محسوب می‌شود. «اجتماع واحدی فضائی یا مکانی است که با سازمانی اجتماعی به اعضای خود احساس هویت و علقه می‌بخشد» (Dotson, 1981:58) پس اجتماع متشکل از جمعیتی می‌نماید که دارای رفتارها و تحرکات جمعی خاصی هستند.

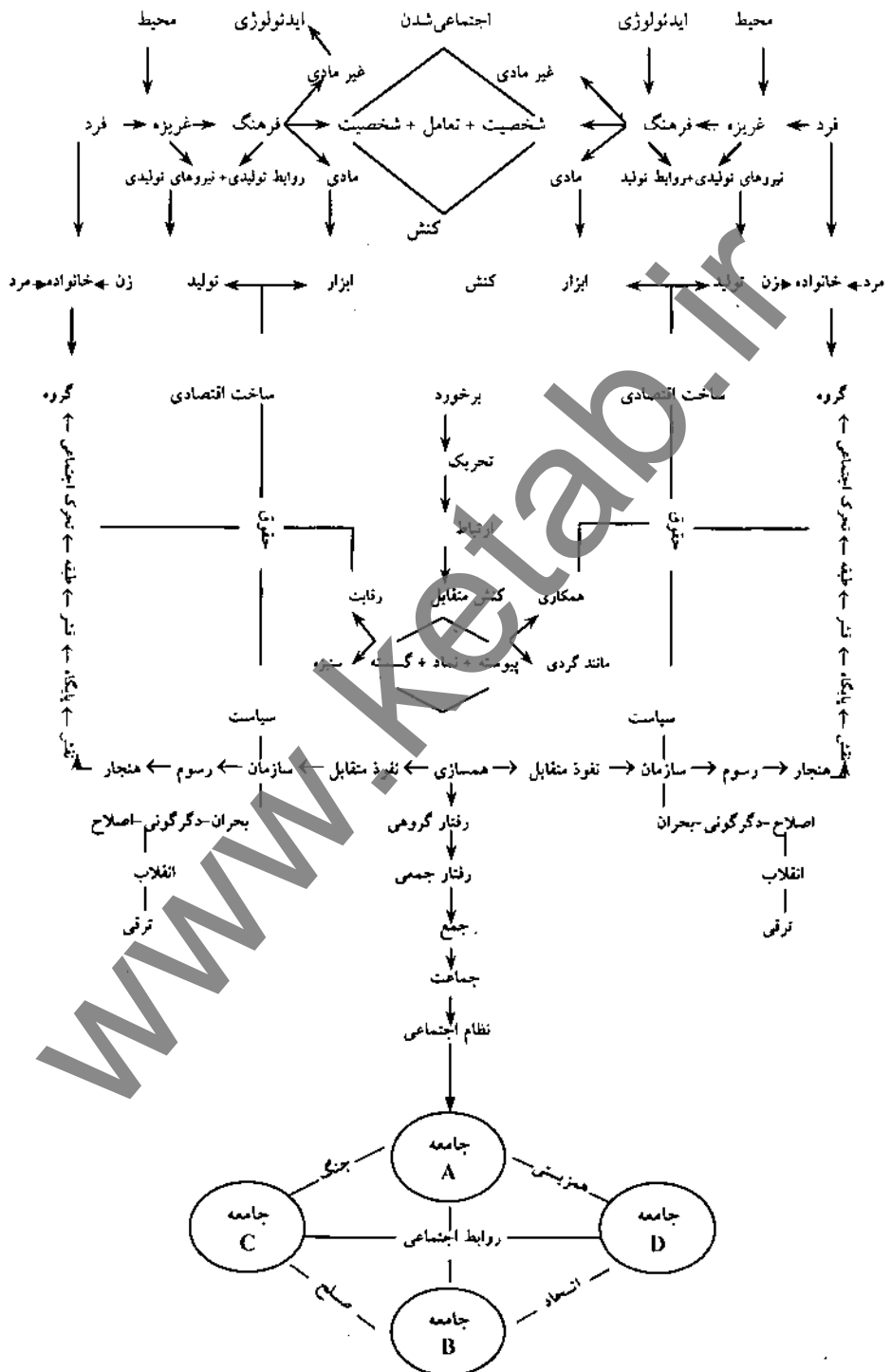
جمعیت. جمعیت مجموع افراد متمرکز در یک محل یا قوم بوده و تابع جریانانات نژادی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. از سوی دیگر توزیع، ترکیب، حجم و تحرک آن نقش مهمی در توسعه اجتماعی باقی می‌گذارد.

رفتار جمعی و تحرک اجتماعی. «رفتار جمعی عبارت از رفتار غیرسازمانی گروه‌های انسانی در واکنش به احساسات مشترک در مواقع مهم است» (Smelser, 1981: 431). از این رو رفتار جمعی به تحرک اجتماعی ختم شده و یکی از انواع رفتار گروهی محسوب می‌گردد. وجه عاطفی رفتار اجتماعی نیز تابع مد، هوس، جنون، شیدانی و هراس اجتماعی است.

تغییرات اجتماعی. «تغییر اجتماعی یعنی تبدیل الگوهای رفتاری و فرهنگی در طول زمان به هنجارها و ارزش‌های جدید» (Moore, 1967: 3). این تحولات از عنصر نوآوری، پیوند و اثبات‌کنی فرهنگی سرآب می‌گردند. عدم تطابق نظام اجتماعی با نیازهای آن یا عدم توازن حرکت عناصر فرهنگی به تحول یا گشت فرهنگی منتهی می‌شود. همین امر زمینه دژسازگاری کارکرد عناصر ساخت اجتماعی را فراهم آورده که از سوی اصلاحات فرایند بازسازی اجتماعی به تطور اجتماعی می‌انجامد. مع هذا برخورد انقلابی با این جریان، مفهوم انقلاب را رقم می‌زند که بیش از اصلاح‌طلبی، هزینه اجتماعی در بردارد.

نتیجه

شخصیت فرد متأثر از محیط، غریزه و فرهنگ است. از یک سو ابعاد مادی ساخت اقتصادی = روابط تولیدی + نیروی تولیدی و غیر مادی (ایدئولوژی و اکتساب آموزشی) فرهنگ زمینه بقای فرد را در گروه فراهم آورده و از طریق ترکیب کنش‌ها موجب برخورد اجتماعی می‌گردد. بدین سان تحریک، ارتباط و کنش متقابل زاده شده و اشکال متنوعی از تعاملات پیوسته (همکاری و مانند‌گردی) و گسسته (رقابت و سبزه) را متبلور می‌کند. از ترکیب همسازانه چنین تعاملاتی است که سازمان اجتماعی بر حسب نفوذ متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد و بواسطه تأثرش از رسوم و هنجارها و وضعیت نقشی - پایگامی، ابعاد تحرک قشری - طبقاتی را سامان می‌بخشد و به این ترتیب بویانی گروهی مقوم شاکله جمع، جماعت و نظام گروهی می‌گردد. به عبارت دیگر:



از این نمودار ایستابرمی آید که ایده (شناخت - فرهنگ) از لحاظ تاریخی بر ماده (کنش - پویش) مقدم است؛ اما با اضافه کردن نگرش پویا، ارتباط متقابل ایده - ماده به شکل فرایندی بازخوردی و مداوم در جهت اختتام به تطور اجتماعی رقم می خورد. با تعمیم مراحل توسعه خود (= ذهن + من فاعلی + من مفعولی) به ادوار تاریخی رشد جامعه، می توان تقدم ایده بر ماده را دریافت. توسعه خود با تنافر شناختی عناصر ذهنی ایجاد می شود. پس نوزادی که تازه در جریان اجتماعی شدن قرار گرفته، اولین عناصر متضاد ذهنی را از غرایز ارمغان گرفته و آنها را در تضادی با دیگر عناصر محیطی رشد می دهد. بدین روی شناخت وی مبنای کنش و مجموعه کنش ها پایه پویش تلقی می گردند. با توسعه خود و تبدیل نقش فرد از تقلید صرف در بازی های تافروآوری در بازی های جمعی، ارتباط متقابل ایده - ماده در عرصه جامعه نیز لحاظ می شود. لذا به نظر می رسد جامعه شناسی علم شناسائی روابط پدیده های اجتماعی در ابعاد کلان (ساختی)، میان (ارتباطی) و خرد (فردی) است.

مجموعه مقالات ترجمه شده حاضر به تفاریق جمع آمده اند و هریک به گوشه انی از نظام اجتماعی نظر دارند. گردآوردن آنها در این کتاب نیز به منظور تسهیل دسترسی دانش پژوهان اجتماعی و خصوصاً اصحاب جامعه شناسی صورت گرفته است. امید که پویندگان این طریق معرفتی در مراجعه به این اثر دریابند:

تاسوزد برنیاید بون خود
ز آن که هر کس محرم پیغام نیست
در سرای خاص؛ بار عام نیست
پخته داند کاین سخن با خام نیست

عباس محمدی اصل

دانشگاه گیلان

منابع :

- Anderson, B. (1979). Instructional Science. New York.
- Arensberg, N. and Neihoff, L. (1964). Introducing Social Change. Chicago.
- Berger, P. (1963). Invitation to Sociology: A Humanistic Perspective. New York.
- Boyer, E. (1984). High School. New York.
- Chambliss, R. and Seidman, E. (1971). Low/ Order/ and Power. Addison.
- Cooley, Ch.H. (1902). Human Nature and the Social Order. New York.
- Coser, L. (1977). Masters of Sociological Thought. New York.
- Curtiss, S. (1977). Gnenie: A Psycholinguistic Study of a Modern Day "Wild Child". New York.
- Dotson, F. (1981). Community. New York.
- Elmer, E. (1981). Social Inequality. New York.
- Harris, M. (1958). Minorities in the New World. New York.
- Keith, R. (1984). Religion in Sociological Perspective. Dorsey.
- Kornhauser, W. (1959). The Politics of Mass Society. New York.
- Lesch, Ch. (1977). Haven in a Heartless World. New York.
- Linton, R. (1936). The Study of Man. New York.
- Mayer, Z. (1970). Organizational Change. Chicago.
- Merton, R.K. (1957). Social Theory and Social Structure. New York.
- Moore, W. (1967). Order and Change. New York.
- Mortimer, S. and Simmons, A. (1978). Adult Socialization. California.
- Quick, P. (1972). Women's Work. New York.
- Richards, R.j. (1988). Darwin and the emergence of evolutionary theories of mind and behavior. Chicago.
- Ritzer, G. (1983). Sociological Theory. New York.
- Roberts, R.E. (1981). Social Control. New York.
- Schaefer, R.T. (1986). Sociology. New York.
- Smelser, N. (1981). Theory of collective Behavior. New York.
- Sutherland, A. and Cressey, S. (1978). Principles of Criminology. Chicago.
- Thomas, W. and Thomas, D. (1928). The Child in America: Behavior Problems and Programs. New York.
- Turner, J. (1982). The Structure of Sociological Theory. New York.
- Weber, M. (1947). The Theory of Social and Economic Organization. New York.
- Yinger, J. M. (1960). Contraculture and Subculture. New York.
- Zanden, J.W.V. (1990). Sociology. New York.